



علی امغر ظهیری

حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام و
مادر آن حضرت، «نجمه» است.^۱

مادر آن حضرت

نجمه خاتون مادر بزرگوار امام
رضا علیه السلام و حضرت معصومه علیه السلام است.
او از زنان برجسته زمان خود بود و در
عقل، دین، حیا، جمال ظاهری و باطنی
نظیر نداشت.

«حمیده» مادر امام هفتم علیه السلام
همیشه از نجمه یاد می‌کرد و از روزی
که او را به خانه برد مورد احترام قرار
داد و هرگز پیش او نمی‌نشست مگر
برای تعظیم و احترام او.

۱. فروغی از کوثر، ص ۳۲.

۲. دلائل الامامه، ص ۳۰۹.

عمه سادات سلام علیک

روح عبادات سلام علیک

عمه سادات بگو کیستی

فاطمه یا زینب ثانیستی

شناسنامه حضرت

کریمه اهل بیت، حضرت

معصومه علیه السلام اول ماه ذی القعدة سال

۱۷۳ هـ. ق. در مدینه چشم به جهان

گشود و در سن ۲۸ سالگی در روز ۱۰

یا ۱۲ ربیع الثانی سال ۲۰۱ هـ. ق. در

شهر مقدس قم به ریاض جنت پر

کشید.^۱

القاب شریف آن حضرت،

معصومه، کریمه اهل بیت، سنی و

فاطمه کبری است. پدر بزرگوارش

فروشان آمده باشد؟ عرض کرد: نه. هشام می‌گوید: پس آن حضرت فرمود: آمده است. و ما با هم نزد او رفتیم. برده فروشی را دیدیم که غلامان و کنیزان بسیاری آورده بود.

آن حضرت فرمود: کنیزانی که برای فروش آورده‌ای را بر ما عرضه کن، او نه کنیز را بیرون آورد. حضرت هر یک را می‌دید، می‌فرمود: این را نمی‌خواهم. آن‌گاه فرمود: آیا کنیز دیگری داری؟ گفت: نه، جز یک کنیز که او سخت بیمار است.

حضرت فرمود: او را بیاور، برده فروش امتناع کرد، حضرت برگشت و روز بعد مرا نزد او فرستاد و فرمود: به هر قیمتی که بگوید آن کنیز را برای من خریداری کن.

هشام می‌گوید: چون نزد برده فروش رفتم، او قیمت را بالا برد و من پذیرفتم و او را خریدم.»

مرد برده فروش پس از دریافت پول رو به من کرد و گفت: مردی که دیروز همراهش بودی چه شد و او که

۱. همسران با فضیلت، گذری به زندگانی مادران چهارده معصوم علیهم‌السلام، ص ۷۵.

روزی حمیده به حضرت کاظم علیه‌السلام عرض کرد: «پسرم! نجمه کنیزی است که من بهتر از او را ندیده‌ام؛ او زنی زیرک و دارای محاسن زیادی است و می‌دانم هر نسلی از او بدنیا آید، پاک و مطهر است؛ او را به تو بخشیدم و از تو درخواست می‌کنم حال او را رعایت کنی.»^۱

در روایتی آمده است: وقتی حمیده را خرید، شبی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در خواب دید که به او فرمود: «ای حمیده! نجمه را به فرزند خود موسی ببخش، همانا از او فرزندی به دنیا می‌آید که بهترین اهل زمین است.»

مقام و منزلت حضرت نجمه علیها‌السلام

مرحوم علامه مجلسی رحمته‌الله‌علیه از کتاب ارزشمند عیون اخبار الرضا علیه‌السلام روایتی را نقل کرده است که توجه به آن ما را به مقام و منزلت حضرت «نجمه خاتون» مادر بزرگوار امام هشتم و خواهرش حضرت معصومه علیها‌السلام آگاه می‌کند. روایت مورد نظر را ذیلاً از نظر تان می‌گذرانیم:

روزی امام کاظم علیه‌السلام از هشام پرسید: آیا خبرداری که کسی از برده

«إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَلِلرَّسُولِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ وَالْأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ وَلَنَا حَرَمًا وَهُوَ قُمْ وَسَتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ مَنْ زَارَهَا وَحَبَّتْ لَهُ الْجَنَّةُ؟^۲

برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله حرمی است و آن مسدینه است و برای امیر مؤمنان علیه السلام حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن قم است و به زودی زنی از فرزندان من در آنجا دفن می شود که نامش «فاطمه» است؛ هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب خواهد شد.»

۲. مرحوم محدث قمی رحمته الله نقل کرده است که امام رضا علیه السلام به «سعد اشتری قمی» فرمود:

«ای سعد! نزد شما قبری از ما هست. سعد گفت: قبر فاطمه دختر امام موسی بن جعفر علیه السلام را می فرمایید؟ فرمود: آری. هر کس او را زیارت کند و حق او را بشناسد بهشت برای

بود؟ گفتم: او مردی از بنی هاشم است. گفت از کدام تیره بنی هاشم؟ گفتم: بیش از این می پرس.

آن گاه آن مرد برده فروش گفت: بدان که من این کنیز را از دورترین مناطق مغرب خریدم. روزی زنی از اهل کتاب این کنیز را همراه من دید و پرسید: این را از کجا آورده ای؟ گفتم: او را برای خود خریده ام. آن زن گفت: سزاوار نیست که این کنیز نزد تو باشد، او از آن بهترین اهل زمین است و چون به او رسد از او فرزندی به دنیا می آید که اهل مشرق و مغرب از او اطاعت کنند.

راوی در ادامه می گوید: چیزی نگذشت که او در ملک امام موسی بن جعفر علیه السلام در آمد و حضرت رضا علیه السلام متولد شد.^۱

به هر روی از افتخارات بزرگ حضرت معصومه علیها السلام این است که ایشان از طرف پدر و مادر با حضرت رضا علیه السلام یکی است و این بر شرافت و برتری ایشان افزوده است.

حضرت معصومه علیها السلام در روایات

۱. قال الصادق علیه السلام:

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۵.

اوست.^۱

۳. قال الصادق عليه السلام:

«أَلَا إِنَّ قَمَّ كُوفَتْنَا الصَّغِيرَةَ، أَلَا إِنَّ لِلْجَنَّةِ كَمَايَةَ أَبْوَابٍ ثَلَاثٌ مِنْهَا إِلَى قَمَّ تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ مَن وُلِدِي، اسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى، تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شَيْعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ؛^۲ قَمَّ كُوفَةٌ كَوَچِك مَا اسْت. برای بهشت هشت در است که سه در آن به سوی قم است. زنی در قم وفات می‌کند که از اولاد من است و نامش فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام است. در روز قیامت با شفاعت او تمام شیعیان من وارد بهشت می‌شوند.»

۴. قال الجواد عليه السلام:

«مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقَمَّ فَلَهُ الْجَنَّةُ؛^۳ کسی که قبر عمه‌ام را در قم زیارت کند سزاوار بهشت است.»

۵. قال الرضا عليه السلام:

«مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛^۴ کسی که [فاطمه معصومه را] زیارت کند در حالی که عارف به حق او باشد، پاداشش بهشت است.»

آینه حضرت زهرا علیها السلام

شیخ عبدالله موسیانی که از شاگردان آیه الله العظمی مرعشی نجفی

بود، نقل کرده است که: «حضرت آیه الله مرعشی نجفی علیه السلام به طلاب می‌فرمود:

«علت آمدن من به قم این بود که پدرم آقا سید محمود مرعشی که از زهاد و عباد معروف زمان خود بود، چهل شب در حرم امیر مؤمنان علیه السلام بیتوته کرد تا آن حضرت را ببیند. شبی در حال مکاشفه امیر مؤمنان علیه السلام را دیده بود که به ایشان فرمود: سید محمود! چه می‌خواهی؟ عرض کرد: می‌خواهم بدانم قبر فاطمه زهرا علیها السلام کجاست؟ حضرت فرموده بودند: من نمی‌توانم برخلاف وصیت آن حضرت قبر را معلوم کنم. عرض کرد: پس من اگر بخواهم آن حضرت را زیارت کنم، چه کنم؟ امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: خداوند، جلال و جبروت حضرت زهرا علیها السلام را به فاطمه معصومه علیها السلام عنایت فرموده است. هر کس بخواهد ثواب زیارت حضرت فاطمه را درک کند، به زیارت

۱. منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۷۰.

۲. جامع احادیث الشیعة، ج ۱۲، ص ۶۱۷.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۵.

۴. همان.

حضرت معصومه علیها السلام برود.

آیه الله مرعشی نجفی می فرمود:
من به همین علت به قم آمدم؛ ماندگار
شدم و الآن شصت سال است که هر
روز من اول زائر حضرتم.^۱

کرامات حضرت معصومه علیها السلام

یکی از برترین فضایل و کمالات
اهل بیت علیهم السلام ادای حاجات و برآورده
کردن خواسته های نیازمندان است. از
نظر شیعه فرقی میان حیات و موت
اهل بیت علیهم السلام نیست و آن بزرگواران در
هر حال ناظرند و حاجات حاجتمندان
را بر می آورند.

حضرت معصومه علیها السلام نیز مانند آبا
و اجداد کرام خود دارای کرامات و
معجزاتی است که بی تردید نشان از
عظمت و برتری آن حضرت دارد:

کرامات آن حضرت اعم از شفای
بیماران و شفای روشن دلان و
ناشنوایان و... بسیار است. در این
قسمت به دو نمونه اشاره می کنیم.

۱. شفای معجزه آسا

یکی از خدام حرم حضرت
معصومه علیها السلام به نام «میرزا اسدالله» بیمار
و انگشتان پایش سیاه شده بود،

جرّاحان اتفاق نظر داشتند که باید پای
او قطع شود تا مرض به قسمتهای
بالا تر سرایت نکند. قرار شد فردای آن
روز به بیمارستان رفته، پایش را قطع
کنند. میرزا اسدالله گفته بود: حالا که
چنین است، امشب مرا به حرم مطهر
دختر موسی بن جعفر علیهم السلام ببرید. او را
به حرم بردند، شب هنگام، خدام حرم
در را بستند و او پای ضریح مانده و به
درگاه دختر موسی بن جعفر علیها السلام پناه
آورده بود.

نزدیک اذان صبح خادمان حرم
صدای میرزا را می شنوند که فریاد
می زند: در را باز کنید، حضرت مرا شفا
داده است. در را باز کردند، دیدند او
خوشحال و خندان اشک شوق
می ریزد و ماجرای شفای خود را این
گونه بیان می کند:

خانم مُجَلَّله ای را دیدم که به نزد
من آمد و گفت: «تو را چه شده است؟
عرض کردم: درد پایم مرا عاجز کرده
است، از خداوند شفای دردم را
می خواهم. آن بانوی بزرگ گوشه

۱. فروغی از کوثر، زندگانی حضرت
معصومه علیها السلام، ص ۸۷

از آن منبع فیض الهی مورد عنایت قرار
می‌گرفت.^۱»

صفای دل بجز مهر شما نیست

که بی مهر شما دل را صفا نیست

شما پوشیده در ذات خدایید

خدا هم از شما هرگز جدا نیست

خوشا حال دل بیمار عشقی

که جز وصل شما او را دوا نیست

چگونگی وفات فاطمه

معصومه علیها السلام

در سال ۲۰۱ هـ. ق، یک سال پس

از سفر تبعید گونه امام رضا علیه السلام به شهر

«مرو»، کریمه اهل بیت، حضرت

معصومه علیها السلام همراه عده‌ای از برادران

خود برای دیدار و تجدید عهد با امام

زمان خویش بسوی دیار غربت راهی

شدند.

وقتی به شهر «ساوه» رسیدند

عده‌ای از مخالفان اهل بیت علیهم السلام با

مأموران حکومتی همراه شدند و آنان

را مورد هجوم قرار دادند. در این

مقنعه خود را چند دفعه به روی پای
من کشید و فرمود: تو را شفا دادیم.

عرض کردم: شما کیستید؟ فرمود: مرا

نمی‌شناسی و حال آن که نوکری مرا

می‌کنی؟ من فاطمه، دختر موسی بن

جعفر هستم.

میرزا اسدالله می‌گوید: وقتی به

حالت عادی برگشتم، مقداری پنبه در

آنجا دیدم. آن را برداشته و به هر

مریضی که ذره‌ای از آن را می‌دادم و او

به جای درد می‌کشید، شفا پیدا می‌کرد.

وی می‌گوید: آن مقدار پنبه در

خانه ما بود تا وقتی که سیلابی آمد و

خانه ما را خراب کرد و آن پنبه از بین

رفت و دیگر پیدا نشد.^۱»

۲. عنایت به ملاصدرا

مرحوم محدث قمی می‌فرماید:

«از بعضی اساتید خود شنیدم که:

مرحوم ملاصدرای شیرازی هنگامی

که به قم مهاجرت کرد و در روستای

«کهک» اقامت نمود، هرگاه مطالب

علمی بر او مشکل می‌شد، آن حکیم

فرزانه به زیارت حضرت معصومه علیها السلام

می‌آمد و با توسل به آن بزرگوار

مشکلات علمی خود را حل می‌نمود و

۱. انوار المشعشعین، حاج شیخ محمد علی

قمی، ص ۲۱۶ به نقل از فروغی از کوثر.

۲. فوائد الرضویه، ص ۳۷۹ به نقل از همان، در

حاشیه اسفار نیز به این نکته تصریح شده است..

**برای بهشت هشت در
است که سه در آن به سوی
قم است. زنی در قم وفات
می کند که از اولاد من است
و نامش فاطمه دختر
موسی بن جعفر علیه السلام
است. در روز قیامت با
شفاعت او تمام شیعیان
من وارد بهشت می شوند.**

مطلب با توجه به درگیری دشمنان و کینه
توزان در هنگام ورود به شهر ساوه، بعید
نیست.

مراسم تشییع

پس از وفات آن حضرت و اجرای
مراسم غسل و کفن، ایشان را به سوی

هجوم کینه توزانه عده‌ای از همراهان
حضرت معصومه علیها السلام به شهادت
رسیدند.

در شهر ساوه بود که حضرت بیمار
شدند، فرمودند: مرا به قم ببرید، چرا که از
پدرم شنیدم «شهر قم مرکز شیعیان ماست». آن‌گاه
حضرت را به طرف قم حرکت دادند. مردم قم که از این
خبر مسرت بخش بسیار خرسند شده بودند، به استقبال
حضرت آمدند. در حالی که «موسی بن خزرج» بزرگ
خاندان «اشعری» زمام شتر آن مکرمه را می‌کشید، در میان
شور و احساسات مردم وارد آن شهر شدند و در منزل
موسی بن خزرج که امروزه به محله میدان میر - جنب
۴۵ متری عمار یاسر - معروف است، اجلال نزول نمودند.^۱

آن بانوی بزرگ هفده روز در شهر ولایت و امامت به سر برد و آخرین روزهای زندگی خود را به عبادت، مناجات و راز و نیاز پرداخت و سرانجام از دنیا رفت.

راز پرواز

در باره بیماری و مرگ زود رس آن بزرگوار گفته شده است که زنی در شهر ساوه ایشان را مسموم نموده است.^۲ این

۱. تاریخ قدیم قم، ص ۲۱۳.

۲. وسیلة المعصومیة، میرزا ابوطالب بیوک، ص ۶۸؛ قیام سادات علوی، علی اکبر تشید، ص ۱۶۸.

مجتهدین خادم این خانه‌اند
 به گرد شمع تو چو پروانه‌اند
 دزگرانمایه برای شیعه
 پشت و پستاه علمای شیعه
 هر طلبه خادم درگاه تست
 همچو گدایی به سر راه تست
 گرچه خدا خواست به حکم قضا
 تا که نبینی گل روی رضا
 لیک دلت بوی رضا می‌دهد
 هر دل هر خسته صفا می‌دهد
 گاه کن از این دل دیوانه یاد
 عمه دل‌سوز امام جواد
 کن دلم آزاد زرنج و الم
 دختر زندانی بغداد غم
 تا به ابد مست سلام توأم
 حضرت معصومه غلام توأم
 مرغ دلم حالت بیمار داشت
 نیمه شب این نغمه به منقار داشت
 آن سه وفادار که مظلومه اند
 فاطمه و زینب و معصومه‌اند
 يَا فَاطِمَةَ اشْفَعِي لِي فِي النَّجْتِ
 فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ

قبرستان «بابلان» تشییع کردند. هنگام دفن
 پیکر پاک و مطهر آن حضرت، دو سوار
 توجه همه را به خود جلب کردند. آن دو
 سوار به طرف جمعیت آمدند و بر بدن
 مبارک حضرت نماز گزارند و آن را دفن
 نمودند. یکی از بزرگان می‌فرمود: هیچ بعید
 نیست که این دو بزرگوار، امامان معصومی
 باشند که برای این امر مهم به قم آمدند^۱.

پس از پایان مراسم دفن، موسی بن
 خزرج سائبانی از حصیر و بوریا بر قبر
 شریف آن بزرگوار برافراشت. این سائبان
 برقرار بود تا زمانی که حضرت زینب
 دختر امام جواد علیه السلام وارد قم شد و قبه‌ای
 آجری بر آن بنا کرد^۲.

شفیعه روز جزا

ای گل نورسته باغ ولا
 پنجره وا شده رو به خدا
 آینه عصمت و جود و کرم
 محرم هر لحظه بیت الحرم
 شمر عفاف را تو شاه بیتی
 فاطمه درم اهل بیتی
 سفره اطعام کرامت تویی
 شفیه روز قیامت تویی
 بوی بهشتی که به همراه تست
 تا به ابد بدرقه راه تست

۱. آیه الله فاضل لنکرانی دام ظلّه.

۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۶.